

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت بیست و دوم، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

قرآن، کتاب هدایت به سوی حق و پرهیز از باطل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ﴿الم﴾ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ
فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ این کتابی که دارای جایگاه
باعظمتی است و هیچ شک و تردیدی در حقانیت و
کارآمدی و هدایتش وجود ندارد. این کتاب، کتاب
هدایت است برای متقین، هدایت به سوی چه چیز؟
هدایت به سوی حق و پرهیز از باطل. قرآن کتاب هدایت
به سوی ولایت است که عرض کردیم قرآن فرقان است.
قرآن برای ما حق را از باطل کاملاً جدا می‌کند و نشان
می‌دهد. چه کسی حق است چه کسی باطل است. اینکه
چه کسی حق و چه کسی باطل است را حتماً باید خدا
به ما نشان بدهد. خودمان با عقلمان نمی‌توانیم. عقل

۱. سوره بقره؛ آیه ۲

اینجا ناتوان است. قرآن می‌فرماید این کتاب، کتاب هدایت است برای متقین.

گفتیم پیش نیاز اینکه بتوانیم از هدایت قرآن بهره ببریم و قرآن کمکمان کند که حق را بشناسیم این است که متقی باشیم. انسانی که متقی نیست هیچ وقت دنبال شناخت حق هم نیست و از هدایت قرآن در این مسیر بهره نمی‌برد. پس باید متقی باشیم. تقوا چیزی است که انسان می‌تواند به وسیله عقل و فطرتش به آن برسد. اما برای رسیدن به اینکه چه جریانی در جامعه و جهان حق است و چه جریانی باطل است؛ نیاز به یک هدایت ویژه داریم. خدا باید ما را هدایت کند. گاهی وقت‌ها حتی انسانی که به ظاهر متقی است نمی‌تواند حق را تشخیص بدهد. خیلی‌ها بودند که به ظاهر متقی بودند. شاید هم واقعا در باطن زندگیشان متقی بودند؛ اما چون بصیرت لازم برای تشخیص حق از باطل نداشتند، نخواستند که حق را از باطل بشناسند. لذا سرشان گرم تقوای خودشان بود.

چله نشینی و سیر و سلوکشان و کارهایی که در راه رسیدن به تقوا کردند، برایشان حجاب شده. نخواستند در متن جامعه، حق و باطل را تشخیص بدهند. لذا دچار اشتباه شدند، و نتوانستند از نور قرآن استفاده کنند. دچار گمراهی شدند و حتی دیگران را هم گمراه کردند.

پس فقط خداست که می‌تواند ما را به سوی حق هدایت کند.

شاخص ولایی بودن

در سوره حمد می‌گوییم ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۲ خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن. راه مستقیم، راه علی بن ابیطالب است. راه علی بن ابیطالب یک تعریفی دارد. شاخص ولایی بودن چیست؟ شاخص اینکه ما در راه علی هستیم چیست؟ اینکه اسمِ بچه خود را علی بگذاریم یا بگوییم أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ یا در روز غدیر شادی کنیم یا در جشن میلاد حضرت امیرالمومنین علیه السلام شام و شربت بدهیم و...، اینها لازم و خوب و پسندیده است. اما گفتمان علی و صراط مستقیم و آن راهکارهای علی برای مواجهه با منافقین و روش خنثی کردن گفتمان منافقین، اینها مطالبی است که انشاءالله به اقتضاء آیاتی که خواهد آمد خدمتتان عرض خواهیم کرد.

مفهوم اقامه نماز

خب متقین چه کسانی هستند؟ فرمود. ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾^۳ کسانی که ایمان به غیب دارند. ویژگی متقین این است که بینش و جهان‌بینی‌شان، الهی است نه

۲. سوره حمد آیه ۶

۳. سوره بقره آیه ۳

مادی. هرکس جهان بینیش مادی باشد، بهره‌ای از قرآن نمی‌برد. ویژگی دوم **«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** متقین کسانی هستند که نماز را اقامه می‌کنند. خدا می‌توانست بفرماید **«وَيُصَلُّونَ»**. متقین کسانی هستند که نماز می‌خوانند، اما فرمود **«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»**، اقامه نماز غیر از نماز خواندن است. خدا درباره منافقینی که ممکن است تظاهر به نماز خواندن کنند می‌فرماید اینها نماز می‌خوانند، **«وَيَلُّ لِلْمُصَلِّينَ»**^۴ نمی‌فرماید نماز اقامه می‌کنند، می‌گوید اینها نماز می‌خوانند، تظاهر می‌کنند به نماز خواندن. اما درباره مومنین می‌فرماید: **«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** نماز را اقامه می‌کنند. اقامه چیست؟ **«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** غایت و خروجی نماز، باید بندگی و تسلیم در برابر خدا باشد. **«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** یعنی بندگی خدا و تسلیم در برابر خدا را در زندگی‌شان پیاده می‌کنند. یعنی اینطور نیست که فقط در سجاده بایستند نماز بخوانند و فقط دست‌شان را ببرند بالا و به نشانه تسلیم بگویند الله اکبر و به نشانه تعظیم رکوع بروند یا به نشانه به خاک افتادن در برابر خدا سجده بروند. این تظاهر و نمایش ظاهری است. اقامه نماز این است که در خارج از نماز هم تسلیم خدا هستند و هرچه خدا می‌گوید می‌گویند چشم الله اکبر. در خارج از نماز هم تعظیم می‌کنند. یعنی در مقابل امر خدا سرخم می‌کنند.

۴. سوره ماعون آیه ۴

در مقابل کاری که خدا به آنها گفته همیشه متواضع‌اند برای خدا به خاک می‌افتند. اینها نماز را در جامعه اقامه می‌کنند. هر جا خدا به آنها فرموده کاری انجام بدهید تسلیم خدا هستند و به خاک می‌افتند. و اگر نیاز باشد جانشان را هم در این راه می‌دهند.

اقامه حکومت صالحان، برترین مصداق اقامه نماز

برترین چیزی که خدا از ما خواسته و بزرگترین تکلیفی که روی گردن همه ما هست این است که ما حاکمیت صالحان را در جهان پیاده کنیم. بهترین و برترین مصداق اقامه صلات اقامه حکومت صالحان در جهان است. قرآن می‌فرماید متقین کسانی هستند که نماز را اقامه می‌کنند. نماز، نمایش ظاهری نیست بلکه آن را در زندگی پیاده می‌کنند. عبودیت را در همه ابعاد زندگی اقامه می‌کنند و با عملشان نشان می‌دهند. و اما ویژگی سوم متقین، کسانی هستند که ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾.

ویژگی‌های متقین

پس متقین سه ویژگی دارند، اول اینکه بینش‌شان درست است. دوم اینکه اخلاق و رفتارشان درست است ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ اشاره به این است که اینها تقوای عملی دارند. ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ یعنی تقوای فکری و اعتقادی دارند. ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ یعنی تقوای عملی و رفتاری دارند ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ یعنی تقوای

اجتماعی دارند. یعنی اینها فقط اینجوری نیست که اعتقاداتشان درست باشد یا مثلا رفتارشان درست باشد و نماز اقامه کنند. نه. ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ به اجتماع هم توجه دارند، از اموالی که خدا بهشان داده انفاق می‌کنند، خلل‌ها و شکاف‌های اقتصادی را پُر می‌کنند. البته به این معنا نیست که در خانه بنشینند و خدا بهشان مال بدهد، نه. بلکه رفته تلاش کرده، زحمت کشیده تولید کرده، به اموالی رسیده اما سهم فقرا را می‌دهد ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ خمس و زکاتش را می‌دهد. توجه دارد به اینکه باید به فقرا برسد و باید با خمس بُنیه شیعه تقویت بشود. اینکه می‌فرماید: ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ مطلب خیلی مهمی است که همه اینا باید با هم باشد. اعتقاد و اخلاق و رفتار درست. توجه به نظام اقتصادی مبتنی بر انفاق، در محله، یا شهر یا کشورشان که می‌خواهد پیاده بکند.

ویژگی بعدی متقین در آیه چهار می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ به آنچه که بر تو و پیغمبران قبل از تو نازل شده ایمان دارند. معنی راه انبیاء علیهم‌السلام گذشته را می‌دانند چیست؟ یعنی گفتمان انبیاء و گفتمان تو را شناخته‌اند و صرفِ ایمان به پیغمبری انبیای گذشته نیست. اینکه حضرت نوح و ابراهیم پیامبر بوده لازم است ولی کافی نیست. گفتمان نوح چه بوده؟ ﴿يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ

قَبْلِكَ». باید بدانیم پیام دعوت انبیا چیست. قرآن می‌فرماید **﴿وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾**^۵ انسان‌های مومن ایمان دارند به همه انبیا و کتب آسمانی. خب یعنی چه ایمان دارند؟ یعنی گفتمان انبیا را می‌دانند که چیست و در مسیر این گفتمان تلاش می‌کنند که این گفتمان در جامعه اقامه بشود. فرقی هم بین انبیاء الهی نیست. چون همه‌شان گفتمان‌شان در یک جهت است گفتمان‌شان همان چیزی است که خدا به آنها گفته و اینها همه طرح خداست.

گفتمان انبیاء

برای اینکه بدانیم گفتمان نوح چیست، باید از آدم شروع کنیم. اینکه در زیارت نامه‌ها، مخصوصاً در زیارتنامه حضرت معصومه علیها السلام، سلام را از اینجا شروع می‌کنیم. **«السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ»**. این سلام دادن و عرض ادب و احترام، به این معناست که ما تسلیم گفتمان تو هستیم. گفتمان آدم چیست؟ **آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ** بود برگزیده شد. چه وقت برگزیده شد؟ وقتی شیطان را شناخت، دشمن شناس که بشوی برگزیده می‌شوی؟ گفتمان آدم این است که دشمن را بشناس. خب گفتمان نوح چیست؟ بُت‌ها ظاهر زیبایی داشتند. مردم فکر می‌کردند اگر بخواهند

۵. سوره بقره آیه ۲۸۵

از بحران‌ها نجات پیدا کند و به برتری و تکامل برسند، باید فقط ظاهر را زیبا کنند. لذا خودشان را مثل بت‌ها می‌کردند تا آنها را پرستش کنند. حضرت نوح علیه السلام می‌گوید زیبایی ظاهری، نمی‌تواند تو را از بحران‌ها نجات بدهد. ایمان به خدا می‌تواند تو را از بحران‌ها نجات بدهد. آن بحران و طوفانی که آمد، نشان داد که چطور اهل ایمان فقط توانستند نجات پیدا کنند. در حوادث، بُت نمی‌تواند کوچکترین کمکی به انسان بکند. این گفتمان نوح است که امروز به درد ما می‌خورد. متقین، به دنبال این هستند که بدانند گفتمان نوح چه بود.

اما گفتمان ابراهیم چه بود؟ گفتمان ابراهیم خلیل الله، دوستی با خدا به جای دوستی و ارتباط با ابرقدرت‌ها و ترس از آنها و گدایی در خانه آنها است. رفاقت و دوستی با خدا می‌تواند ما را از همه مشکلات نجات بدهد و ما را به مقصد برساند.

گفتمان موسی چه بود؟ سحر ساحران فرعون و تحت تاثیر سحر آنها قرار گرفتن نمی‌تواند کارگشا باشد. آنچه که می‌تواند کارگشا باشد کلام خداست.

به جای پناه بردن به ساحران و رَمال‌ها، پناه ببریم به کلام خدا که قرآن است. قرآن می‌تواند ما را نجات بدهد از همه مصیبت‌ها و بدبختی‌ها و مشکلات. ما باید به قرآن خیلی احترام بگذاریم. اینکه در شب قدر قرآن روی سرمان می‌گذاریم برای این است که اعلام کنیم، قرآن

باید روی سر ما جا داشته باشد. ما همیشه باید در پناه قرآن باشیم نه فقط در شب قدر. شب قدر باید تصمیم بگیریم که خدایا من می‌خواهم از این به بعد در پناه قرآن باشم.

گفتمان حضرت عیسی علیه السلام چیست؟ فقط علم نمی‌تواند ما را به برتری و تکامل برساند. مخصوصاً علم طب و صنعت و اقتصادی که آن موقع در بین دانشمندان بنی اسرائیل رونق عیسی آمد گفت روح الله شدن، انسان را به تکامل می‌رساند. پشتوانه معنوی نیاز است که از آن علوم در جهت تعالی و تکامل انسان استفاده بشود. اگر این پشتوانه معنوی نباشد، از آن علوم در جهت نابودی نسل بشر استفاده می‌شود.

گفتمان پیامبر چه بود؟ فاکتورها و جلوه‌های اعتباری در زمان جاهلیت وجود داشت که عبارتند از: جنسیت، نژاد، قوم، مالکیت، ریاست، شعرگویی، ترانه‌سرایی، نوازندگی و معنویت کاذب. که مردم فکر می‌کردند به وسیله این‌ها انسان به کمال می‌رسد. همه حرکتشان به این سمت بود که بروند یکی از این اعتبارات را به دست بیاورند. چون فکر می‌کردند انسان رشد یافته این است. پیامبر خدا مبعوث شدند و این گفتمان را خنثی و نابود کردند. **﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَكُمُ﴾**^۶ برترین اعتبار برای یک انسان برای رسیدن به کمال، تقوای الهی

۶. سوره حجرات آیه ۱۳

است. انسان متقی درجه تکامل و رشدش از همه بالاتر است. خدا به او بالاترین درجات را می‌دهد. در دنیا و در آخرت محبوبیت به او می‌دهد، محبتش را در قلب دیگران می‌گذارد. گفتمان پیامبر این است که این جلوه‌های اعتباری ظاهری نمی‌تواند شما را به تکامل برساند و گرهی از گره‌های شما باز نکند. ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ متقی کسی است که ایمان به آخرت هم داشته باشد.

مراتب یقین

یکی از مصادیق ایمان به غیب، ایمان به آخرت است. اگر در آزمون از ما بپرسند آخرت را قبول دارید؟ می‌گوییم قبول داریم. اما اینجا می‌فرماید: ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ یقین دارد. ما به آخرت علم داریم. باور ما یک باور سطحی است. می‌گوییم بله. ما می‌دانیم آخرتی هست. قیامت خواهد آمد. یقین مراتبی دارد: علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین. اینجا من فکر می‌کنم که همان حق الیقین است ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ یعنی یقینی به آخرت دارند که گویا الان بهشت و جهنم را می‌بینند. کسی که از دور دودی را می‌بیند و پی می‌برد به اینکه این دود ناشی از وجود یک آتشی است. این می‌شود علم الیقین. یک وقت انسان می‌رود از نزدیک آتش را می‌بیند. این می‌شود عین الیقین. پس اولی دود

را دید آتش را ندید ولی از راه دود، پی به وجود آتش برد. علم الیقین علم به آن آتش پیدا کرد. دومی آتش را دید. این می‌شود عین الیقین. اما می‌شود در هر دو یقین تشکیک ایجاد کرد. بهشان بگویند آن دودی که تو می‌بینی زیرش آتش نیست. یک کپسول دودی دارد دود است که در فضا منتشر می‌کند. می‌شود در کسی که آتش را دیده تردید ایجاد کرد. این تصویر آتش است این مجازی است حقیقی نیست. ایمانش متزلزل می‌شود. اما حق الیقین یعنی انسان برود در متن آتش دستش را ببرد در شعله‌های آتش دستش داغ بشود بسوزد، این رسیده به حق الیقین. این یقینش زائل نمی‌شود. کسی نمی‌تواند در آن تردید ایجاد کند. این یقین به آخرت جنسش همین حق الیقین باید باشد تا انسان بتواند در مسیر حق قرار بگیرد. این ویژگی‌ها را که خدای متعال بیان فرمود، ویژگی‌های متقین است. متقین کسانی هستند که اگر اینها را داشته باشند، می‌توانند از هدایت قرآن برای رسیدن به صراط مستقیم که صراط ولایت است استفاده کنند. کسانی که این ویژگی‌ها را دارند اگر اینها را نداشته باشند، انسان هیچ وقت احساس ضرورت نمی‌کند که در مسیر صراط مستقیم قرار بگیرد تا به ولایت وجود مقدس امیرالمومنین برسد. آیات بعدی در جلسات بعد.

و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.